

یک هدیه‌ی بزرگ!

اما آیناز گندم کار هم می‌گوید: معلمم را یک عالمه دوست دارم، چون برای ما خیلی زحمت کشیده است تا بتوانیم درس‌هایمان را یاد بگیریم.

او دوست دارد خانم معلمش بیشتر علوم درس بدهد، تکلیف زیاد نگوید و همه‌ی کتاب‌هایشان را در کلاس نگه دارد تا کیفشان سنگین نشود؛ زیرا صبح‌ها شانه‌هایشان درد می‌گیرد.

آیناز می‌گوید: خانم معلم تا کنون مراد عوا نکرده است، اما بعضی بچه‌ها را به دلیل اینکه یا مداد سیاه، قلمز یا پاک‌کن نداشتند یا تکلیف انجام نداده بودند یا نامرتب بودند یا کتاب نمی‌آوردند، عوا کرده است. با وجود این، وقتی درس‌هایمان را بخوانیم و نامرتب نباشیم و منظم باشیم، کار بزرگی کرده‌ایم که تشویقمان می‌کند.

آیناز دوست دارد برای روز معلم یک هدیه‌ی بزرگ که همان درس خواندن است، به معلمشان هدیه بدهد و همیشه به یادش باشد و از زحمت‌هایش به این شکل تشکر کند.



دسته‌گل ماشین عروس

در ادامه، مرضیه پوربهباد، معلم این کلاس دومی‌های مهربان و بازیگوش، هم می‌گوید: در چهارده سال تجربه‌ی معلمی‌ام از بچه‌های یادگرفته‌ام اگر اشتباهی انجام دادم، با شجاعت عذرخواهی کنم که برای بچه‌ها هم آموزنده است.

در همه‌ی دوران خدمت‌م هفتم این بوده است دانش‌آموزانی را پرورش دهم که با همه مهربان باشند.

او از خاطراتش با بچه‌ها می‌گوید: یک بار در حال تدریس بودم و بچه‌های کلاس اولی در حیاط بازی می‌کردند که ناگهان دودست از پنجره‌ی کلاس داخل شدند و دو بطری پر از آب روی من خالی شد. گذشت و سال تحصیلی جدید همان دانش‌آموز شاگرد من شد و در طول سال آن قدر به یکدیگر علاقه‌مند شدیم که شب عروسی برادرش، دسته‌گل ماشین عروس را کند و به عنوان هدیه برای من به مدرسه آورد.

با هم سرود بخوانیم

زینب شیخ برادران هم نظرش این است: خانم معلم ما خیلی مهربان و دل‌سوز است. مثلاً زنگ‌های تفریح که تمام می‌شود، پنج دقیقه به ما زمان می‌دهد تا چاشتمان را بخوریم.

من دوست دارم خانم معلم بیشتر به ما تکلیف بدهد و با هم سرود بخوانیم. بیشتر هم با معلممان بازی کنیم.

زینب می‌گوید: وقتی تکلیفم را ننویسم، خانم به من بیشتر تکلیف ستاره‌دار می‌دهد که به تصمیم خودش بستگی دارد. مثلاً ممکن است نوشتن از روی یک درس طولانی باشد. خانم معلممان دوست دارد ما بیشتر گوش بدهیم و کمتر حرف بزنیم و اگر کمتر حرف بزنیم، مشق‌هایمان را بنویسیم و در کلاس راه نرویم، تشویقمان می‌کند.

زینب دوست دارد روز معلم، آموزگارش را بغل کند، او را ببوسد و برایش گل بخرد.

